

تبیین راه های گسترش حاکمیت اخلاق اسلامی در جامعه دینی

نازنین سپهوندی^۱

چکیده

یکی از مسائل مهمی که اسلام برای آن اهمیت قائل شده و در معارف قرآنی نیز مورد توجه قرار گرفته اخلاق و ایجاد جامعه اخلاقی مطلوب است. زیرا اخلاق با ملکات نفسانی، تزکیه و تهذیب نفس، اعمال و رفتار فردی و روابط اجتماعی انسان ارتباط عمیق دارد. وجود جامعه اخلاقی مطلوب باعث تنظیم روابط انسان با خدا گشته و ارتباط او را با اعضای جامعه سامان می بخشد. همچنین رستگاری و کمال فرد و اجتماع اسلامی را تضمین می کند. حال سوالی که در ذهن مخاطبان ممکن است پیش بیاید این است که عامل گسترش حاکمیت اخلاق اسلامی چه می باشد؟ موانع موجود برای این گسترش کدام اند؟ با توجه به سوالات مطرح شده، هدف از این تحقیق، یافتن و تبیین دیدگاه متون اسلامی و به طور عمده، قرآن کریم درباره سرچشمه های فطری اخلاقی، عوامل و موانع حاکمیت اخلاق اسلامی و نیز زمینه های تقویت و راه های گسترش آن است. برای رسیدن به این هدف، ابتدا به بررسی مفهوم اخلاق پرداخته شده و سپس آیات و روایاتی که با موضوع مرتبط به نظر می آمدند، دسته بندی و دلالت هر یک بررسی شده است. در پایان نیز راه کارهایی جهت گسترش حاکمیت اخلاق اسلامی بیان شده است. در این تحقیق روش تحلیل، توصیفی به کار گرفته شده است. پاسخ تمام سؤالات مطرح شده، از منابع اسلامی یعنی قرآن و حدیث استخراج شده است. ضمن بحث ها، شواهدی نیز از میان احادیث و یافته های پژوهشی جدید بیان شده است.

کلیدواژه: اخلاق اسلامی، واژگان اخلاقی، مکارم اخلاق، موانع اخلاق.

۱ پایه پنجم، سطح ۲، حوزه علمیه فاطمیه خرم آباد

مقدمه

با مراجعه به متون اسلامی و در راس آن ها تفاسیر قرآن کریم خواهیم دانست که بخشی از مفاهیم ارزشمند قرآن را مسائل اخلاقی تشکیل می دهد. در پرتو رعایت اصول اخلاقی، انسان هم میتواند به تعالی معنوی دست یابد و هم موجبات تحکیم روابط اجتماعی و بهبود زندگی جمعی را فراهم سازد. بر این اساس تعالی اخلاق در فرد و جامعه مهمترین هدفی است که قرآن کریم و سیره معصومین (علیهم السلام) برآن تکیه می کنند. گرچه مسائل اخلاقی در هر برهه ای از زمان از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است، اما در جهان معاصر، این حقیقت انکار ناپذیر است که گسترش مفاسد اخلاقی نوعی بی توجهی به سازندگی اخلاقی را در میان جوامع بشری پدید آورده است. از این رو زندگی فردی و اجتماعی انسان با مشکلات و نابسامانی های فراوانی روبرو شده است، که در وهله اول از این اصل ناشی می شود که اخلاق آن چنان که باید در بین این جوامع جایگاه و اهمیت خود را باز نیافته است. با نظر به این که در میان مسلمانان منبع عظیم و غنی ای چون قرآن کریم و احادیث معصومین (علیهم السلام) وجود دارد که به بحث های عمیق اخلاقی پرداخته و از رذائل اخلاقی برحذر می دارند، براین اساس بررسی راه کارهای گسترش اخلاق اسلامی، از جنبه های متعددی دارای اهمیت است، چرا که بشر در پی پیشرفت های خود و بهره گیری نادرست از آن ها، با بحران های مختلفی روبرو شده است. در این شرایط انسان به فکر فرو می رود و در پی این اندیشه به دنبال شناخت موانع و سپس راه هایی برای گسترش اخلاق می گردد. اولین گام در این زمینه، شناخت موانع و سپس چگونگی گسترش آن است و بهترین منبع شناخت، قرآن و حدیث است. ما در این پژوهش برآن شده ایم که هر چند به صورت مختصر راه کارهای گسترش اخلاق را مورد بررسی قرار دهیم.

اخلاق در لغت و اصطلاح

اخلاق در اصل کلمه ای عربی است ولی در زبان فارسی نیز به کار رفته و مورد استفاده واقع شده است. در

تعریف لغوی اخلاق می نویسند: طبیعت باطنی، سرشت درونی، طبع، مروت، خوش رفتاری.^۱

در فرهنگ لغت عربی اخلاق جمع مکسر خُلُق و خُلُق است که به غیر از این دو، جمع مکسر دیگری ندارد.

از تفحص در کتب لغت روشن می شود که دو لفظ خُلُق و خُلُق غالباً به معنای اندازه، هیئت و شکل چیزی

استعمال شده است.^۲ براین اساس خُلُق در لغت به معنی: سرشت، خوی و طبع است و به معنای صورت درونی

و باطنی و ناپیدای انسان است و در مقابل خُلُق به صورت ظاهری انسان که با چشم قابل رؤیت است اطلاق

می شود.^۳ اگر چه در تعریف اصطلاحی اخلاق، عبارات علماء مختلف بوده، اما با اندک تاملی در می یابیم

که در واقع همه آن ها با الفاظ مختلف، حقیقت واحدی از مفهوم اخلاق را بیان داشته اند. در این بخش

برخی از نظرات بزرگان علماء اخلاق را ذکر می شود تا مفهوم و حقیقت واحدی که همه تعاریف به آن اشاره

دارند، روشن گردد:

• از عالمان متقدم در این زمینه می توان به غزالی اشاره کرد. او در تعریف اخلاق، می نویسد: (حالتی

است راسخ و موثر در روان انسان که در سایه آن بدون اندیشه و تامل افعال و رفتار از بشر صادر می

شود.^۴)

• ابن مسکویه و نراقی، که از مولفان پیشگام اخلاق اسلامی می باشند، اخلاق را نزدیک به همین

مضمون تعریف نموده اند: (خلق در اصطلاح، ملکه ای نفسانی است که به اقتضای آن، فعلی به

۱ معین، فرهنگ معین، ج ۱ ص ۱۷۴.

۲ طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۴۴.

۳ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۸۷.

۴ غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۵۲.

سهولت و بدون نیاز به فکر کردن از انسان صادر می شود. ملکه آن دسته از کیفیات نفسانی است که

به کندی از بین می رود و در برابر دسته دیگری از آن به نام حال به سرعت زوال می پذیرد.^۱

• از عالمان متأخردر زمینه اخلاق، شهید مطهری در تعریف آن چنین آورده است که: (اخلاق، به

فرایندی که منجر به ایجاد عادت و طبیعت ثانوی و یا ملکاتی که با اختیار و تلاش پیگیر در روح

بشر به وجود می آید اشاره دارد.^۲

علامه طباطبایی در تعریف جامعی از اخلاق می نویسد: (خلق بر اساس نوع فعلی که از آن صادر می شود،

به پسندیده یا ناپسند اتصاف می یابد، هرچند وقتی خلق یا اخلاق به صورت مطلق و بدون وصف و یا قیدی

به کار رود، به معنای خلق پسندیده است.^۳

اخلاق اسلامی

اخلاق اسلامی را می توان مجموعه ای از مطالب مرتبط به اخلاق و مخصوصا اخلاق معاشرت دانست که از

منطوق و مفهوم آیات قرآن کریم بدست می آید. صرف نظر از این که با اخلاق در حوزه های دیگر کما بیش

دارای مشترکاتی باشد.^۴ همان گونه که قرآن در برگزیده مسائل عقیدتی و تشریعی است؛ مشتمل بر مبانی

و مسائل اخلاقی نیز هست. خواه اخلاق الهی باشد که نمایانگر ارتباط با خداوند و زیربنای تقوای الهی است.

مانند اخلاص، توکل و صبر بر مصائب و ... که همه در حوزه اخلاق الهی است. یا اخلاق انسانی باشد که

بدون آن حسن معاشرت با مردم محقق نمی گردد. مانند صداقت، تواضع، وفا به عهد و پیمان، عدالت، و

۱ ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، ص ۲۷.

۲ مطهری، فلسفه اخلاق، ص ۱۷

۳ طباطبایی، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۳۶۶

۴ نجارزادگان، رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی، ص ۳۶.

مدارا با مخالفان و ...^۱ قرآن این دو را در کنار هم و در یک مجموعه گرد آورده است که در این پژوهش از آن با عنوان اخلاق اسلامی یاد شده است.

خداوند متعال در مقام بیان حقیقت و ماهیت اخلاق نیک چنین می فرماید: وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ،^۲ (آن ها با هر که عهد بسته‌اند به موقع خود وفا کنند و در حال تنگ دستی و سختی و هنگام کار زار صبور و شکیبا باشند. کسانی که بدین اوصاف آراسته‌اند آن ها به حقیقت راستگویان و آن ها به حقیقت پرهیزکارانند).

بدیهی است که برای سنجش و شناخت درست از نادرست در هر موضوعی معیار و ملاکی نیاز است. برای شناخت اخلاق اسلامی و تأثیر گذاری آن در زندگی فردی و اجتماعی ضروری است که انسان الگو و معیاری داشته تا اخلاق و اعمال خود را با توجه به آن معیار انجام دهد. معیار هر مسلمانی اعتقاداتش می باشد، که از قرآن و احادیث معصومین (علیهم السلام) به دست می آیند.^۳ براین اساس می توان گفت: هر خلق و خوی برجسته انسانی که علاوه بر جنبه های معنوی و اخروی تأثیر عمیقی در زندگی مادی و دنیوی انسان ها دارد، اخلاق اسلامی نامیده می شود. نباید تصور کرد که اخلاق یک سلسله مسائل فردی و شخصی است و چیزی جدا از زندگی اجتماعی انسان هاست، بلکه رابطه قوی و نزدیک به آن دارد و هر گونه دگرگونی اجتماعی، بدون دگرگونی اخلاقی ممکن نیست.^۴

۱ مهدوی کنی، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، ص ۷۴.

۲ بقره: ۱۷۷.

۳ محمدی، نظام های اخلاقی در اسلام و ایران، ص ۷۷/۷۸.

۴ نجارزادگان، رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی، ص ۳۹.

وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^۱ (و باید برخی از شما مسلمانان، خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و امر به نیکوکاری و نهی از بدکاری کنند، و این ها که واسطه هدایت خلق هستند رستگار خواهند بود.)

همچنین قانون کلی توسط معصومین (علیهم السلام) شرح و تبیین یافته است. امام صادق (علیه السلام) از رسول اکرم (صل الله علیه وآله وسلم) نقل نمودند که ایشان فرمود: هرگاه هنجارشکنی و معصیت خدا به صورت علنی و آشکار صورت پذیرد، هرچند هنجارشکنان اندک و اکثریت مردم، افرادی قانونمند باشند، ولی این اکثریت نظارت و کنترل را رها کنند، عذاب خواهند شد.^۲

بنابراین، یکی از راه های تاثیرگذار در رفتار و فرهنگ جامعه، مساله کنترل و نظارت اجتماعی است.

۱ آل عمران: ۱۰۴.

۲ نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۰ ص ۲۳۴.

نتیجه گیری

با توجه به آن چه گذشت به دست می آید که اهتمام قرآن مجید و سیره معصومین (علیهم السلام) به مسائل اخلاقی به عنوان یک مساله اساسی مطرح بوده است، از این روست که تکامل اخلاقی در فرد و جامعه مهمترین هدفی است که دین اسلام بر آن تکیه می کند و ریشه همه اصلاحات اجتماعی را وسیله مبارزه با مفاسد و پدیده های ناهنجار می شمارد.

از دیدگاه دین اسلام، جهت گسترش اخلاق اسلامی در ابتدا باید به تامین نیازهای افراد جامعه پرداخت. زیرا اسلام برآن است که ارضای نیازهای زیستی در حد متعادل، پیش از پرداختن به تربیت اخلاقی و تعالی نیازهای دیگر است. زیرا مادامی که فرد در صدد تأمین نیازهای اولیه و تمایلات دیگر است یا سرپناهی برای حداقل زندگی و... نداشته باشد؛ نمی تواند به طرف تعالی اخلاقی پیش رود. لذا پس از تامین این نیازها، قرآن با انواع بیانات صریح و مختلف، پیروان خود را به فراگیری علم و دانش و شناخت رازهای هستی و اسرار عالم آفرینش دعوت می کند. و علم را سرچشمه تربیت و رشد اخلاقی، و رشد و تربیت نیز در مراحل سرچشمه فراگیری علم معرفی کرده است. بنابراین هرکدام زمینه ساز دیگری در یک مرحله هستند و این معنی تاثیر متقابل آن ها در یکدیگر است. بدین ترتیب آثار رعایت اصول اخلاقی که همه ساحت های زندگی انسان را تحت پوشش قرار می دهد، که هم در زندگی فردی کارکرد ویژه ای دارند و هم در زندگی اجتماعی.

اخلاق زندگی انسان را هدفمند می کند و راه رشد و تعالی روحی و معنوی را برایش فراخ می سازد و جامعه را نیز به انسجام و همبستگی قابل توجهی می رساند و روح تعاون را بر جامعه حاکم می سازد. اما در این میان جنبه تاثیر گذار اخلاق از نظر اجتماعی از اهمیت برجسته ای برخوردار است، زیرا انسان یک موجود اجتماعی است و این اجتماعی بودن چه ذاتی انسان باشد و چه ضرورت زندگی او در دنیا، همین بس که انسان جدای از اجتماع و از جامعه غیر قابل تصور است. و بر همین اساس اگر گفته شود، نبود اخلاق مانع

درک حق و حقیقت شده و آدمی را در مسیر لغزش های دیگر قرار می دهد، سخن گزافی نیست. لذا توجه به آثار و نتایج اجتماعی گسترش اخلاق، برای انسان از اولویت های جامعه کنونی به شمار می رود.

در پایان به خوبی روشن می شود که هدف از بیان راه کارهای گسترش اخلاق اسلامی، سامان بخشیدن به اخلاق افراد یک جامعه دینی و تزکیه آن ها از اخلاق غیر الهی و نیز فراهم ساختن زمینه تقویت اخلاق و ایجاد یک جامعه سالم و به دور از انحرافات اخلاقی و در نهایت گسترش اخلاق اسلامی است.

فهرست منابع

- (۱) ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، انتشارات دار الفکر للطباعة، ۱۳۷۵ قمری.
- (۲) ابن مسکویه، علی بن احمد، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، انتشارات بیدار، ۱۴۱۳ قمری.
- (۳) ابوالحسن محمد بن الحسین بن موسی (سیدرضی)، کلمات قصار: برگزیده‌ای از گفته‌ها و نوشته‌های امیرالمومنین (علیهم السلام)، مترجم: مهدی علیزاده، قم، انتشارات پارسیان، ۱۳۸۱.
- (۴) بیرجندی، پروین، روان شناسی رفتار غیر عادی، تهران، انتشارات آران، ۱۳۶۲.
- (۵) تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دار الکتاب الإسلامی ۱۴۱۰ قمری.
- (۶) حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل، جلد ۵، انتشارات آل البيت، بیروت، ۱۴۰۸.
- (۷) حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، جلد ۱۱، انتشارات آل البيت، بیروت، ۱۴۱۴ قمری.
- (۸) حکیمی، محمد رضا، الحیاه، مترجم: احمد آرام، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۵.
- (۹) دیلمی آذربایجانی، احمد اخلاق اسلامی، قم، نشر معارف، ۱۳۸۰.
- (۱۰) دلشاد تهرانی، مصطفی، رهنمایان دین، تهران، انتشارات دریا، ۱۳۸۱.
- (۱۱) طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۷۵ قمری.
- (۱۲) طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
- (۱۳) غفاری، مهدی، نظارت و کنترل اجتماعی، تهران، انتشارات مشرق زمین، ۱۳۸۲.
- (۱۴) فلسفی، محمد تقی، کودک از نظر وراثت و تربیت، جلد ۲، تهران، انتشارات معارف اسلامی، ۱۳۸۷.
- (۱۵) کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، انتشارات جهان آرا، ۱۳۸۷.

- ۱۶) محمدی، مجید، نظام های اخلاقی در اسلام و ایران، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۹.
- ۱۷) مجلسی، محمدتقی، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، چاپ بیروت، ۱۴۰۲ قمری.
- ۱۸) مهدوی کنی، محمدرضا، نقطه های آغاز در اخلاق عملی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
- ۱۹) معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۸۶.
- ۲۰) مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۶.
- ۲۱) نجارزادگان، فتح الله، رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی، قم: نشر معارف، ۱۳۸۶.